

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

دو مطلب مقدماتی؛

بحث رسید به فرمایش صاحب جواهر(ره)، ببینیم که آیا این روایاتی که «مسیره یوم» و «بریدان» را با کلمه‌ی «أو» به یکدیگر عطف کرده مثل آن روایت موثقه‌ی سماعه و برخی از روایات دیگر، مقدار مسافت را فرمودند «فی مسیره یوم أو بریدین»، یا به جای «مسیره یوم» تعبیر «فی بیاض یوم أو بریدین» داشت، ببینیم که صاحب جواهر(ره) اینجا چه راهی را طی کردند؟ حال بعد از آن نکاتی که در بحث دیروز عرض کردیم، عمده‌ی فرمایش صاحب جواهر(ره) دو مطلب زیر است که می‌فرمایند:

مطلب اول:

مسیره یوم و ثمانیه فراسخ و بریدان، به حسب واقع متقارب به یکدیگرند؛ یک مطلبی که این دو تا از نظر واقع متقارب به یکدیگرند، یعنی مسیره یوم و ثمانیه فراسخ به حسب واقع که حساب می‌کنیم اینطور نیست که یک ملاک‌هایی باشد که بینشان تباین باشد؛ آری بین این دو نه تنها تباین و تقابل نیست، بلکه این دو بحسب الواقع متقاربند، یعنی به حسب خارج کسی که یک مسیر یوم را طی می‌کند هشت فرسخ را رفته، کسی که هشت فرسخ را طی می‌کند این بریدان یا مسیره یوم را رفته، این یک مطلب.

مطلب دوم:

به تأیید روایات، مراد از مسیره یوم، إعتدال من حیث الزمان و السیر و الدابة و الطريق است؛ باز صاحب جواهر(ره) می‌فرمایند: این مطلب هم مسلم است که آنهایی که می‌گویند مسیره یوم مرادشان اعتدال من حیث الزمان و من حیث السیر و من حیث الدابة و من حیث الطريق، روایاتی که ما داریم، خود این هم مؤید این مطلب دوم است که معتدل السیر را ملاک قرار می‌دهند.

بررسی تفصیلی نظریه‌ی صاحب جواهر(ره) در مقام؛

بعد از بیان این دو مطلب، ادعای اصلی صاحب جواهر(ره) این است که این «مسیره یوم» که به عنوان ملاک قرار داده شده مسیره یوم عند الشارع ملاک است. یعنی شارع به چه چیزی می‌گوید مسیره یوم، مدعای ایشان این است که اینجا مراد مسیره یوم بحسب العرف نیست، یا به حسب زمان، ببینیم حالا یک کسی از اول تا آخر روز حرکت کرد بگوئیم این مسیره یوم است، صاحب جواهر(ره) می‌فرماید اگر کسی بریدان آمد اما هنوز یوم کامل نشده، مثلاً صبح حرکت کرد، اذان ظهر بریدانش کامل

شد، هشت فرسخش محقق شد، می‌فرماید: این مقدار «هذا مسيرة يوم عند الشارع» است و بالعکس؛ اگر کسی صبح حرکت کرد سالانه سالانه، آرام آرام، آهسته آهسته تا مغرب، اما به اندازه‌ی هشت فرسخ نیست، ولو یک روز را راه رفته، اما این مسیره يوم عند الشارع نیست. می‌فرمایند ما از این روایات استفاده می‌کنیم که خود این عنوان مسیره يوم فی نظرالشارع باید باشد.

فرق کلام صاحب جواهر(ره) با نظر اکثر فقهاء عظام؛

صاحب مدارک(ره) و بسیاری از فقهای دیگر همچون شهید اول(ره)، شهید ثانی(ره)، فیض کاشانی(ره)، علامه حلی(ره)، محقق حلی(ره) و دیگران می‌گویند: ثمانیه فراسخ یک امر شرعی نیست که هشت فرسخ، اگر دینی هم نبود ما می‌گفتیم این مقدار یک فرسخ است، چهار فرسخ می‌شود یک برید و هشت فرسخ هم بریدان می‌شود، فاصله را که شرع نیامده برای ما درست کند! همانطور که خود ثمانیه فراسخ، یک امر شرعی نیست، بلکه مثل زمان دو سه ساعت، یک امر عرفی و مقدار مسافت خارجی است، ایشان مسیره يوم را هم می‌گویند یک امر شرعی نیست بلکه یک امر عرفی است، مقدار راهی که یک نفر در یک روز کامل دارد، آن وقت دیگران مثل صاحب مدارک(ره) و بسیاری از فقهای دیگر همچون شهید اول(ره)، شهید ثانی(ره)، فیض کاشانی(ره)، علامه حلی(ره)، محقق حلی(ره) بر خلاف نظر صاحب جواهر(ره) نظر دادند؛ یعنی شاید بگوئیم صاحب جواهر(ره) در این مطلب متفرد است. از این رو، دیگران می‌گویند اینها دو معیار واقعی و عرفی است؛

اما صاحب جواهر(ره) می‌فرمایند: ثمانیه فراسخ یک تعبیر و اصطلاح شرعی است و شارع می‌گوید من بریدان را مسیره يوم می‌دانم، ثمانیه فراسخ را مسیره يوم می‌دانم، ایشان می‌فرماید: «فهما (یعنی مسیره يوم و ثمانیه فراسخ) شیء واحد فی نظر الشارع»، در نظر شارع اینها یکی است «لا أنهما أمران مختلفان»، اینها دو چیز مختلف نیستند.

تبیین پنج قول پیرامون ملاک در حد شرعی تقصیر؛

حال چه کار کنیم؟ پاسخ این است که کسانی که می‌گویند اینها عنوان حقیقت شرعی را ندارد اینها بر چند قول دعوا و نزاع کردند، لذا احتمالاتی که دیگران می‌دهند این است که:

قول اول: هر دو تعبیر ملاکند لذا او به معنای او است؛

آیا باید بگوئیم هر دو تا باید باشد؟ یعنی بگوئیم نماز در صورتی قصر می‌شود که هم بریدان باشد و هم مسیره يوم؟ این یک احتمال. یعنی هر دو را می‌گوئیم ملاک است، آن وقت در نتیجه این «أو» در این روایت سماعه را به «و» معنا کنیم، این یک. به عبارت دیگر، بعضی‌هایشان می‌گویند هر دو ملاک است، حالا اینهایی که می‌گویند هر دو ملاک است خود صاحب جواهر(ره) هم وقتی نقل می‌کند می‌گوید از بعضی عبارات فقها چنین چیزی استفاده می‌شود. پس روی قول اول، شرط، مجموع این دو تاست.

قول دوم مختار صاحب مدارک(ره): یکی از این دو تعبیر ملاک است؛

یا بگوئیم کلّ واحدٍ منهما ملاک است یعنی یا بریدان یا مسیره يوم، حالا بریدان می‌گوئیم یا ثمانیه فراسخ آن یکی است، یا ثمانیه فراسخ یا مسیره يوم، یکی از این دو تا ملاک است که عرض کردیم از کسانی که بر این مطلب اصرار دارد مرحوم صاحب مدارک(ره) است، صاحب مدارک(ره) می‌فرماید از مجموع روایات استفاده می‌شود یکی از این دو تا ملاک است.

یعنی اگر بریدان رفتی ولی مسیره یوم نشد اینجا مانعی ندارد، یا اگر مسیره یوم رفتی ولی بریدان نشد اینجا مانعی ندارد! عرض کردم حالا یک کسی پیاده آهسته صبح راه می افتد تا مغرب نگاه می کند می بیند سه فرسخ راه آمده، صاحب مدارک (ره) می گوید اینجا نمازش قصر است چون مسیره یوم محقق شده. پس هر یک از این دو تا. پس روی قول دوم، شرط کلّ واحدٍ منهما است یعنی هر کدام شد کافی است.

قول سوم: ثمانية فراسخ ظاهری ملاک است و مسیره یوم، اماره شرعی اوست،

این است که بگوییم ثمانية فراسخ ملاک است، اما مسیره یوم علامت برای او هست و اماره ی برای او هست. یعنی چه؟ یعنی شارع فرموده آنچه که برای قصر آنچه شرطیت دارد هشت فرسخ است، حالا شما اگر مقداری راه آمدید ولی نمی دانید که هشت فرسخ شده یا نه؟ مسیره یوم را شارع اماره ی شرعی برای هشت فرسخ قرار داده، لذا کاری نداریم به اینکه حالا واقعاً هشت فرسخ رفته یا نه، یعنی دیگر هشت فرسخ واقعی را شارع ملاک قرار نمی دهد می گوید من می گویم هشت فرسخ «شرطٌ للتقصیر فی الصلاة»، اما حالا شما یک مسیری را می روی علامتی نیست، علامت برید و بریدان و ... نیست! و شما نمی دانید که آیا هشت فرسخ شده یا نه؟ در اینجا شارع مسیره یوم را اماره ی شرعیّه قرار داده برای ثمانية فراسخ. یعنی مسیره یوم برای شما عند الشک اماره شرعی است. پس روی این قول، شرط عبارت از ثمانية فراسخ است اما مسیره یوم را شارع عند الشک، اماره ی شرعیّه قرار داده.

قول چهارم: مسیره یوم ظاهری ملاک است و ثمانية فراسخ، اماره شرعی اوست؛

عکس قول سوم است که گفتند شارع مسیره یوم را شرط قرار داده، ملاک برای تقصیر در نماز این است که از اول تا آخر روز باید به عنوان مسیره یوم داشته باشد. اما ثمانية فراسخ اماره ی شرعیّه برای او است. عکس قول سوم.

قول پنجم مختار صاحب مفتاح الکرامة: هر کدام اماره برای دیگری است؛

یک قول را هم صاحب مفتاح الکرامة (ره) قائل است؛ گفته هر کدام اماره ی دیگری است. ثمانية فراسخ اماره ی شرعیّه برای مسیره یوم است، مسیره یوم اماره ی شرعی برای ثمانية فراسخ است که البته این قول پنجم به کلام صاحب جواهر یک مقداری نزدیک است.

مناقشه بر اقوال خمسة و تبیین قول ششم از منظر صاحب جواهر (ره)؛

صاحب جواهر (ره) می گوید اصلاً روی مبنای ما دیگر مجالی برای این اقوال و این نزاع نیست. این نکته را من می خواهم بیشتر روشن کنم که فرق روش فقهی صاحب جواهر (ره) در اینجا با سایر فقها چیست؟ فرقش این است که صاحب جواهر (ره) می گوید روی قول ما اصلاً دیگر مجالی برای اینکه بگوئیم هر دو تا مجموعاً شرط است یا کلّ واحدٍ منهما شرط است که صاحب مدارک (ره) فرموده، یا یکی شرط است و دیگری اماره، می فرماید مجالی برای این حرفها نیست.

ادعای صاحب جواهر (ره) این است که مسیره یوم به حسب نظر شارع همان ثمانية فراسخ است و ثمانية فراسخ به حسب نظر شارع همان مسیره یوم است، یک چنین ادعایی را اینجا دارند. تعبیر ایشان را ببینید که فرمودند «فهما شیء واحد فی نظر الشارع لا أنّهما أمران مختلفان» اصلاً دو چیز نیست، یعنی صاحب جواهر (ره) دوگانگی این دو تعبیر را رد می کند و می فرماید

این دو تعبیر یک چیز است. «البحث فی أنَّ مدار المسافة عليهما معاً».

تبیین اسباب بروز اقوال اربعه از منظر صاحب جواهر(ره)؛

در نتیجه صاحب جواهر(ره) می‌فرمایند اگر ما بگوئیم این دو تعبیر، دو چیز هستند، آن وقت نزاع در این واقع می‌شود و اقوالی پدید می‌آید که البته حالا صاحب جواهر(ره) آن دو قولی را که یکی شرط باشد و دیگری اماره یا بالعکس باشد را متعرض نشده، اما قولش را هم در میان اقوال فقها داریم، به هر جهت این اقوال از منظر صاحب جواهر در اینجا پدید می‌آید که:

قول اول:

اینکه بگوئیم مدار مسافت این است که این دو با هم باید باشد، یعنی ثمانية فراسخ تنها فایده ندارد اگر کسی تا ظهر رسید به هشت فرسخی فایده ندارد بلکه باید تا آخر روز راه برود، این روی قول اول.

قول دوم:

اینکه «أو أنَّ المدار على مسیر اليوم» به ترتیب خود کتاب «جواهر الکلام» می‌گوئیم، قول دوم صاحب جواهر(ره) می‌گوید بگوئیم ملاک مسیره یوم است «و إن قصر عن البریدین» ولو کمتر از 8 فرسخ شود. همین جا صاحب جواهر(ره) چهار دلیل برای آنهایی که مسئله‌ی مسیره یوم را ملاک قرار دادند، مثل شهید ثانی، از میان فقها کسی که ملاک اصلی را گفته مسیره یوم است، باید از اول روز تا آخر روز راه برود ولو کمتر از بریدین بشود ملاک همین است، بریدان ملاک نیست. مرحوم شهید ثانی(ره) چهار دلیل اینجا ذکر می‌کند و می‌فرماید:

دلیل اول قول دوم:

اصل در مسافت، مسیره یوم است؛
«لأنَّه الأصل فی المسافة»، دلیل اولش این است که اصل در مسافت همین است، می‌گوئیم چقدر راه رفتی؟ زمان، اصل در مسافت است، «و التقدير بالبریدین تقدیر له»، این بریدان می‌گوید در این زمان شما یک کیلومتر یا هشت فرسخ راه رفتی، اصل در مسافت همین مسیره یوم است.

دلیل دوم قول دوم:

دلالت نص بر مسیره یوم اقوی است؛
دلیل آنهایی که قائل به مسیره یوم هستند؛ در اثناء داریم عبارت جواهر(ره) را می‌خوانیم که یک مقداری ادله‌ی اقوال هم در آن اشاره شده، بعد می‌فرماید «و لأن دلالة النص عليه أقوى» دلالت نص بر مسیره یوم اقواست، چرا؟ «إذ ليس لإعتبارها بالعذر على الوجه المذكور نص صریح» وقتی مسئله‌ی ثمانية فراسخ می‌شود می‌گویند «كل فرسخ ثلاثة أميال»، هر فرسخی سه میل است، ولی به میل که می‌رسند اختلاف است که هر میل چقدر است؟ این مسئله بعدی است که بعداً بیان می‌کنیم آیا هر میلی چهار هزار زراع است یا کمتر یا بیشتر است؟ زراع چقدر است؟

صاحب جواهر(ره) می‌فرماید: ما نص صریحی برای اینکه از زرع را برای ما روشن کند نداریم، «بل ربما اختلف فيهم نصوص و

الفتاوی و قد صَنَّفَ سیّد جمال الدین احمد بن طاووس کتاباً مفرداً فی تقدیر الفراسخ»، ابن طاووس (ره) کتاب منحصری را در اینکه فرسخ چقدر است، تالیف کرده است؛ یعنی یکی از کارهایی که فقهای قدیم کردند رساله‌ی مختصّی را برای اینکه فرسخ چقدر است نوشتند، بعد می‌فرماید «و حاصله علی ما قیل لا یوافق المشهور» ابن طاووس در این رساله با مشهور موافقت نکرده. در نتیجه فراسخ چیز روشنی ندارد ولی مسیره یومِ مشخص است، یوم را هم یوم صائم بگیریم، از اول طلوع فجر تا اول شب که مشهور می‌گویند.

دلیل سوم قول دوم:

دلیلی که علامه حلی (ره) بر آن تاکید کرده به مسیره یوم برمی‌گردد؛ «و لأن الاصل الذی اعتمد علیه الفاضل و غیره»، آن اصلی که مرحوم علامه به آن اعتماد کرده زیرا مرحوم علامه (ره) و پیروان ایشان عمدتاً روی ثمانیه فراسخ رفتند، لذا ایشان می‌فرماید آن دلیلی که مرحوم علامه (ره) به آن اعتماد کرده «یرجع إلى اليوم»، برمی‌گردد به مسیره یوم، «إذ قد استدلّ علیه فیما حکى عن تذکرته بأن المسافة تعتبر بمسیر اليوم للإیل السیر العام». علامه (ره) استدلالش این است که چون مسافت مشخص می‌شود با مسیر یوم، مسیری که ایل به عنوان سیر عام دارد.

دلیل چهارم:

وضع لغوی مسافت با مسیره یوم سازگار است؛ بعد در بیان دلیل چهارم هم می‌فرماید: وضع لغوی. ریشه‌ی لغوی مسافت سَافَ است، می‌گوئیم مسافت یعنی چه؟ می‌گوئید دور شدن، حرکت کردن در زمین، راهی که انسان می‌رود یعنی خود لفظ مسافت معنای لغوی‌اش با مسیره یوم عمدتاً سازگاری دارد نه با ثمانیه فراسخ. صاحب جواهر (ره) می‌فرماید این هم احتمال دوم است که ملاک، مسیره یوم باشد.

قول سوم:

اینکه «أو أن المدار علی التقدير بالبریدین» قول سوم اینکه بگوئیم مدار، تقدیر به بریدین است، بریدین همان ثمانیه فراسخ است «كما ... یلوح من الذکر»، شهید اول (ره) در کتاب زکری تصریح کرده است. دلیل آنهایی که مسئله‌ی ثمانیه فراسخ را می‌گویند چیست؟ ایشان می‌فرمایند: «لأنه تحقیق و الآخر تقریب»، این در کلمات دیگران هم آمده، می‌فرماید هشت فرسخ ضابطه‌مند است، شیخ انصاری (ره) در کتاب الصلاة وقتی می‌خواهد قول ثمانیه فراسخ را اختیار کند می‌فرماید «لأنه اضبط»، چون این مشخص‌تر است، مسیره یوم، یک کسی یک مقداری می‌نشیند، می‌خوابد، غذا می‌خورد، معلوم نیست او تقریبی است.

قول چهارم:

اینکه «أو أن المدار حصول احدهما کل واحدٍ منهما عملاً بكل من الدلیل كما استظهره فی المدار» بعد صاحب جواهر (ره) می‌فرماید: تمام این اقوال اربعه و تمام این نزاع‌ها در صورتی است که ما بگوئیم اینها دو چیز است، اما اگر گفتیم عند الشارع اینها یک چیز است «بناءً علی ما ذکرنا من أنهما شیء واحد عند الشارع فمسیر اليوم عنده عبارة عن قطع بریدین»، به شارع عرض می‌کنیم شما مسیره یوم را برای ما معنا کنید، نمی‌فرماید از اول فجر تا اول مغرب، بلکه می‌فرماید بریدان. به شارع می‌گوئیم بریدان را برای ما معنا کنید می‌فرماید مسیره یوم، «و متى تحقق احدهما تحقق الآخر فی نظره» یعنی اصلاً اینها در نظر شارع انفکاک ندارد، در نظر شارع نمی‌شود بگوئیم مسیره یومی هست اما هشت فرسخ نیست، هشت فرسخی هست و مسیره یوم نیست، اینها یکی هستند و ملازمه دارند و بینشان انفکاک نیست.

تبیین دو فرض غیر قاذح در مقام، از منظر صاحب جواهر(ره)؛

بعد صاحب جواهر(ره) دو فرض را ذکر می‌کند که منافاتی با نظر خودشان ندارد که عبارتند از:

فرض اول:

«إذ فرض مسیر البریدین فی بعض الیوم»، کسی در نصف روز هشت فرسخ بیاید، این یک فرض. به عبارت دیگر، فرض اول این بود نصف روز هشت فرسخ آمده، شارع می‌گوید همین هشت فرسخ به نظر من مسیر یوم است، من همین را مسیر یوم می‌دانم، فرض اول مسیر یوم عنده.

فرض دوم:

«أو نقصان مسیر الیوم عنهما»، کسی تمام روز را حرکت کند ولی مثلاً شش فرسخ حرکت کرده، می‌فرماید این دو فرض «غیر قاذح فی المراد شرعاً»، چرا؟ «لأن الاول مسیر یوم عنده»، به تعبیر دیگر، در فرض دوم کسی تمام روز را آمده ولی شش فرسخ آمده، شارع می‌گوید من این را مسیر یوم نمی‌دانم، طبق کلام صاحب جواهر(ره). تا حالا این مدعای صاحب جواهر(ره) است.

تبیین دلائل نظریه‌ی عینیت، از منظر صاحب جواهر(ره)؛

حالا به صاحب جواهر(ره) عرض می‌کنیم شما برای مدعیان چه دلیلی دارید که مسیر یوم در نزد شارع ثمانیه فراسخ است و ثمانیه فراسخ همان مسیر یوم است، که ایشان در پاسخ به چند دلیل استناد می‌کنند:

دلیل اول:

صریح بعضی از ادله سابقه؛

«كاد صریح بعض الأدلة السابقة»، بعضی از ادله‌ی سابقه و روایاتی که ما آوردیم صریح در این معناست، از جمله:

یک. روایت هشتم، موثقه سماعه؛

یکی همین موثقه‌ی سماعه را بیان می‌کند، موثقه سماعه حدیث هشتم همین باب اول از ابواب صلاة مسافر بود، مضمهر هم هست، «سألته عن المسافر فی كم یقصر الصلاة فقال فی مسیره یوم و ذلک بریدان و هما ثمانیه فراسخ» صاحب جواهر(ره) می‌فرماید این روایت نمی‌خواهد بگوید مسیره یوم عرفی من می‌گویم روی آن نظر می‌دهد یعنی شارع بر حسب این روایت می‌خواهد بگوید این سه تا در نظر من یک معنا دارد، مسیره یوم یعنی بریدان، بریدان یعنی ثمانیه فراسخ، ثمانیه فراسخ یعنی مسیره یوم.

دو. روایت بجلّی:

بعد می‌فرماید «و خبر البجلّی»، در این روایاتی که ما خواندیم نبود.

سه. روایت اول، حسنه فضل بن شاذان:

«و حسنه‌ی فضل بن شاذان» که این همان روایت اول بود که خواندیم، روایت اول که ما هم یک مقدار توضیح دادیم، یک جا فرمود «إنما وجب التقصیر فی ثمانیه فراسخ» بعد فرمود «لأن ثمانیه فراسخ مسیره یوم»، صاحب جواهر(ره) می‌گوید این تعلیل

یعنی چه؟ البته اینها را دیگر توضیح نداده و فقط اشاره کرده، ولی مرادش این است.

صاحب جواهر(ره) می‌فرماید این «لأنّ» نمی‌خواهد تعلیل ارتکازی عند الناس را بیان کند، زیرا یک وقتی هست که یک تعلیلی را شارع ذکر می‌کند می‌گوئیم همان که خود شما می‌دانید می‌گوئیم خمر نخور، می‌گوید چرا؟ می‌گوئیم خودت می‌دانی که مسکر است، این یک تعلیل ارتکازی است، آب نخور که ضرر دارد، البته عرض کردم این بیانی است که ما داریم برای توضیح صاحب جواهر(ره) می‌دهیم. ایشان می‌فرماید: «لأنّ ثمانية فراسخ مسيرة يوم للعامة» نمی‌خواهد یک تعلیل عرفی ارتکازی را بیان کند بلکه می‌خواهد بگوید در نزد من شارع این است، من شارع ثمانية فراسخ را مسيرة يوم می‌دانم.

چهار. روایت ششم از عیون:

بعد می‌فرماید آن روایت ششم که در عیون بود آنجا «و التقصير في ثمانية فراسخ».

پنج. خبر اعمش:

خبر أعمش را خواندیم در اینجا که آن هم باز در باب اول نبود، در ذهنم می‌آید در باب هفدهم بود. حدیث هشتم از باب هفدهم صفحه 508 می‌فرماید «محمد بن علی بن الحسین فی الخصال بإسناده عن الأعمش عن جعفر بن محمد(علیه السلام) فی حدیث شرایع الدین قال و التقصير فی ثمانية فراسخ و هو بریدان»، صاحب جواهر در فقه الحدیث این روایات نظر شریفشان این است می‌فرماید چرا در روایات تأکید دارد که این، این است، بریدان ثمانية فراسخ است و ثمانية فراسخ هم بریدان است، می‌خواهد بگوید این «عندنا» یعنی «عند الشارع» این چنین است.

شش. روایت هفدهم:

روایت هفدهم و آخرین روایتی که اشاره می‌کند در همین باب اول خبری است که از شیخ کشّی(ره) نقل شده حدیث هفدهم. در آنجا می‌فرماید «التقصير يجب فی بریدین».

پس این ادله را خوب دقت کنید، صاحب جواهر(ره) می‌فرماید صریح روایات، «سماعه، بجلّی، فضل بن شاذان (دو تا خبر)، خبر اعمش، خبر ابن مسلم، صاحب جواهر(ره) می‌فرماید این شش روایت صریح در این است که بریدان عند الشارع، همان مسيرة يوم است.

دفع یک توهم در مقام؛

شما خطاب به صاحب جواهر نگوئید که جناب صاحب جواهر(ره) در بعضی از این روایات اصلاً اسمی از مسيرة يوم نیست، فقط دارد بریدان و هما ثمانية فراسخ، زیرا پاسخ این است که ایشان به این «هما» می‌خواهد تمسک کند و می‌گوید از مجموع این روایات و تعبیر که این، این است یعنی عندنا» یعنی «عند الشارع». این دلیل اول ایشان بود.

دلیل دوم، سوم و چهارم:

سه تا مؤید یا دلیل دیگر صاحب جواهر(ره) دارد که حتماً مراجعه بفرمایید.

و صلى الله على محمد و آله الطاهرين